



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۷/۲۷

گرد آورنده : غوث جانباز

## «بازی بزرگ» چگونه آغاز می گردید؟

تقریباً دو قرن پیش، برتانیة کبیر توانست طی سالهای ۱۸۲۸-۱۸۲۶ جنگ را میان روسیه و فارس دامن بزند. برتانیة قصد داشت روسیه را درگیر جنگ های فرسایشی با فارس ساخته و به این ترتیب مانع پیشروی آن به طرف آسیای مرکزی گردد. فارس (ایران امروزی) در جنگ با روسیه شکست خورد و پلان برتانیة نقش بر آب گردید. فارس در سال ۱۸۲۸ مجبور به امضای معاهده "ترکمن چای" گردید که در نتیجه آن خاکهای ارمنستان و آذربایجان را به روسیه واگذار شد، افزون بر آن، مکلف به پرداخت غرامات معادل ۲۰ میلیون روبل روسی نیز گردید. همزمان با انعقاد "معاهده پایان جنگ" میان روسیه و فارس، تفاهم نامه تجارتي بین دو کشور نیز به امضاء رسید. در اثر این تفاهم نامه، تجار روسی مجوز فعالیت تجارتي را در تمام قلمرو ایران بدست آوردند. روسیه به این ترتیب برتانیة را در این منطقه به حاشیه کشانده و مواضع خود را در آسیای مرکزی هر چه بیشتر تحکیم بخشید. «بازی بزرگ» تازه آغاز گردیده بود.

افغانستان متدرجاً به میدان جدید جنگ های جیو- سیاسی میان روسیه و انگلستان در براعظم آسیا مبدل می گردید. طی دهه ۱۸۳۰ افغانستان درگیر مناقشه ها میان سلسله های حاکم در کشور بود. مبارزه بین سلسله سدوزائی ها در رأس شاه شجاع، و سلسله بارکزی های تحت ریاست دوست محمد خان، به شدت جریان داشت. این دو دستگی حاکمیت در افغانستان که در آن زمان دروازه های شمالی هندوستان نامیده می شد، نگرانی های جدی انگلستان را برانگیخته بود. انگلیسها سرانجام از شاه شجاع حمایت کردند.

امیر دوست خان که در آن زمان بر تخت سلطنت افغانستان تکیه زده بود، احساس نمود که اوضاع مطمئن نبوده، و در سال ۱۸۳۴ هیأتی را به روسیه برای جلب کمک آن کشور اعزام داشت. هیأت مذکور صرف در سال ۱۸۳۶ به ولایت ارینبورگ در شرق روسیه رسید.

یک سال بعد از آن فرستاده خاص روسیه به نام "یان ویتکوویچ" در کابل هویدا گردید. لیکن، انگلیسهای مکار و مخصوصاً نماینده زرنگ آنها به نام "الکساندر برنس"، یک سال قبل از روس ها به کابل رسیده، و توانسته بود با امیر دوست محمد خان یک سلسله توافق نامه ها را به امضاء برساند. در اثر فشار های برتانیة، "یان ویتکوویچ" به سانکت پیتربورگ (پایتخت آن وقت امپراتوری روسیه) خواسته شد، و حکومت تزاری تمام توافقات ابتدائی وی را با افغانستان ملغاء اعلام نمود. خود ویتکوویچ به شکلی مرموزی در یکی از هتل های سانکت پیتربورگ به قتل رسید.

در نتیجه، لشکر (۲۱) هزار نفری هند برتانوی در سال ۱۸۳۹ به افغانستان حمله نموده و امیر دوست محمد خان نتوانست در برابر آن تاب مقاومت بیاورد. شاه شجاع از موقع به نفع خود استفاده نموده به کمک انگلیس ها بالای تخت نشست. کنترل نسبی افغانستان توسط انگلیسها سه سال دوام کرد. در این میان، مبارزه و مناقشه ها میان سلسله های حاکم افغان مجدداً و با قوت بیشتر آغاز گردیده، و به قیام های وسیع مردمی انجامید، که در نتیجه آن دست نشانده انگلیسها، شاه شجاع از تخت دور ساخته شد.

نماینده انگلیس ها "برنس" در اثر خشم توده های مردم به قتل رسید و قشون عظیم برتانوی ها عملاً تار و مار گردید. اندکی بعدتر به امر نصرالله خان، امیر بخارا، دو فرستاده انگلستان : دگروال "چارلز ستویارت" و تورن "آرتور کونولی" سر بریده شدند. تصادفی نبود که یک سال قبل از این حادثه، هیأتی از روسیه به ریاست جنرال "کنستانتین بوتونوف" به بخارا سفر نموده بود.

برتانوی ها به یبترتیب در جریان جنگ اول با افغانها اضافه از (۵) هزار عسکر خود را از دست داده و در حدود (۲۵) میلیون پوند خساره دیدند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بڼی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له الریلو مخکې په خیر و لولی

از جانب دیگر، روسیه از شروع سال های ۱۸۵۰ میلادی پیاده ساختن پالیسی عظمت طلبانه خود را در حوزه آسیای مرکزی شدت بخشید. هجوم قشون امپراتوری روسیه بزودی باعث سقوط و تصرف امارت های قوقند، خیوآ و بخارا گردید. اوضاع به وجود آمده "بنجامین دیزرایلی" صدراعظم آن وقت برتانیة کبیر را به عصیان آورده و با خشم به ملکه برتانیة کبیر، "ویکتوریا" نوشت: "مسکویتی ها (روس ها) باید توسط قوای ما از آسیای میانه رانده و به بحیره کسپین انداخته شوند!" برای ثبوت عزم و جزم خویش، صدراعظم "دیزرایلی" ملکه "ویکتوریا" را معتقد ساخت تا لقب امپراتور هند را بپذیرد و در ضمن افغانستان را نیز در حدود امپراتوری هند برتانوی شامل سازد. در عکس العمل به تحرکات برتانیة، روسیه نیز خاموش نه نشسته، امپراتور روسیه "الکساندر دوم" در تابستان ۱۸۷۸ امر صادر نمود تا قوای (۲۰) هزار نفری مستقر در ترکستان در امتداد سرحدات با افغانستان جابجا شوند. همزمان با آن، ح هیأت روسی به ریاست جنرال "نیکولای ستالیتوف" به دربار امیر علی شیرخان اعزام گردید. اسناد تاریخی گواهی میدهد که جنرالهای روسی پلان تعرض به چترال و کشمیر را که در قیمومیت برتانیة قرار داشتند، آماده ساخته بودند.

جنگ دوم افغان - انگلیس در سال ۱۸۷۸ بوقوع پیوست. قوای برتانیة بلافاصله داخل کابل شد و امیر شیر علی خان موقع نیافت تا مقاومت لازم را در برابر اشغالگران سازماندهی نماید. از آن به بعد تمام مناسبات تجارتي و سیاسی امیر توسط انگلیس ها نظارت می شد.

در مارچ ۱۸۸۵ در ناحیه "پنجه" نظامیان روسیه در نزدیکترین نقطه تصادم با قوای افغانی قرار گرفتند. حکومت برتانیة با لحن جدی از روسیه تقاضا نمود تا سرحد افغانستان نقض نشود و تأکید نمود که به قوای خویش امر صادر کند تا "پنجه" و مناطق اطراف آن به افغانستان مسترد گردد. لیکن روسیه این تقاضا را رد کرد. و به این ترتیب افغانستان عملاً در میان عقاب برتانیة و خرس روسیه قرار گرفت. با اینهمه، اوضاع طوری چرخ خورد که انگلیس ها در نتیجه قیام مردمی باز هم مجبور به ترک خاک افغانستان گردیدند، و این بار برای (۴۰) سال داخل افغانستان نشدند.